

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۳  
دوشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

# مشی مانسبت به دولت، انتقاد سازنده است

ص ۵

در صفحات  
بعد:

- شادمانی برای آزادی و استقلال نیکاراگوئه (صفحه ۷ - ستون پنجم)
- پاسخ دادن شکن خلق به عناصر ضد انقلابی در مراسم بزرگداشت سی تیر (صفحه ۶ - ستون سوم)
- حقایق مربوط به خیانت بختیار را صریحاً و بطور کامل افشا کنید (صفحه ۷ - ستون چهارم)
- سلام! توده‌ای، سلام! شعری از شعله رها (صفحه ۸ - ستون پنجم)
- ضد انقلاب رادروهر لباسی افشا کنیم (صفحه ۸ - ستون سوم)
- ایران: گرایش خطرناک - گزارش مقسر تاس (صفحه ۷ - ستون اول)

## آقای چمران!

شما حقایق را تحریف میکنید و نیروهای انقلابی را از سمتگیری عمده انقلاب، یعنی مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، منحرف میسازید

در صفحه ۲

## هشدار:

- ارتش باید
- از ضد انقلاب
- بی‌درنگ

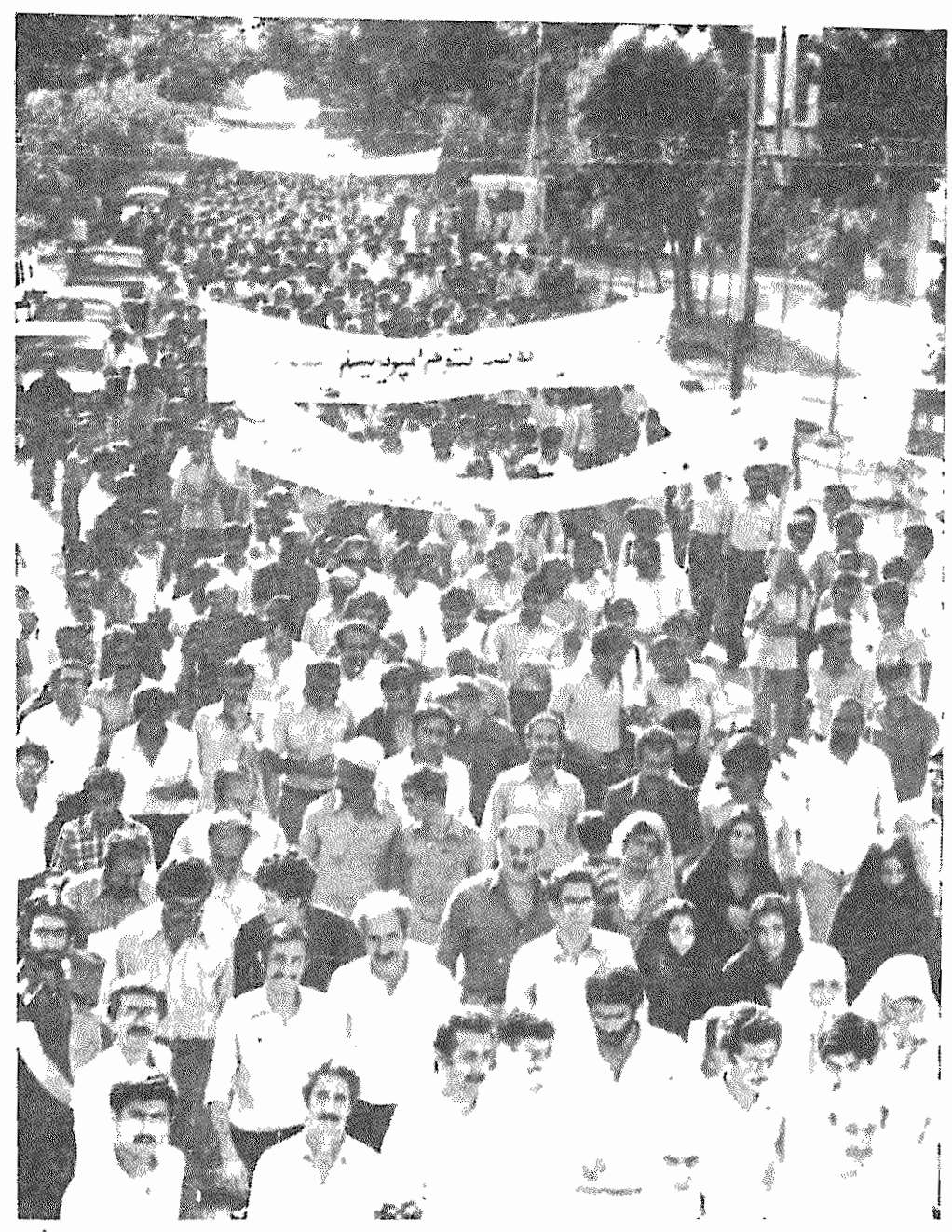
## پاك نشود

(صفحه ۵ - ستون اول)

# بزرگداشت ۳۰ تیر باراه پیمائی هزاران توده‌ای

■ ضد انقلاب بایک برنامه سازمان یافته به صفوف راهپیمایان حزب توده ایران حمله و ۴ نفر را مجروح کرد. (صفحه ۶ - ستون اول)

■ در قطعنامه راهپیمایی به تلاش بر ضد دشمن مشترک، در یک صف واحد، با همه نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرست تاکید شد.



صفوف بهم فشرده اعضاء و طرفداران حزب توده ایران به طرف ابن بابویه پیش میروند...

دهها هزار نفر در میدان بهارستان شعار میدادند:  
**نابودی امپریالیسم در گرو اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی است**  
(صفحه ۸ - ستون اول)

## این «پرسی» قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا بالاخره به کجا رسید؟

(صفحه ۵ - ستون اول)

## از مقامات مسئول دولتی می پرسیم:

آیا درست است که بانک امریکائی «چیس مانهاتن» بیش از ده میلیارد دلار پول ایران را توقیف کرده است؟  
و در انتظار پاسخ فوری و صریح هستیم.

## تعمیق و گسترش انقلاب به چه معناست؟

وقتی مطبوعات حزب توده ایران از ضرورت تعمیق و گسترش انقلاب و رساندن آن باوج لازم - یک انقلاب اصیل ملی و دمکراتیک سخن میگویند، ضد توده ایهای حرفه‌ای، در پی این عبارت، در جستجوی یافتن «معنائی» هستند. در اینجا هیچ معنائی وجود ندارد. ما بر آنیم که انقلاب کنونی ایران سه وظیفه اساسی را باید انجام دهد:

(۱) تأمین استقلال کشور، بنحوی که ایران قادر باشد در همه گستره‌های سیاسی، اقتصادی نظامی، فرهنگی از منافع خود دفاع کند و در چنان وضعی نباشد که دیگران بتوانند منافع و مصالح خود را بر وی تحمیل نمایند، یا به بیان دیگر، تبدیل استقلال

صوری به استقلال دارای محتوی.

(۲) تأمین دمکراسی، یعنی هم آزادیهای دمکراتیک و هم حقوق دمکراتیک مردم.

(۳) اتخاذ راه رشد اقتصادی و فرهنگی درستی که منجر به سالم سازی اقتصاد و فرهنگ ناچهار، وابسته و انکلسف کتونی شود و آنرا در راه تأمین استقلال واقعی اقتصادی و پیشرفت واقعی اقتصادی و شکوفائی فرهنگی بیاندازد.

مردم ایران هفتاد سال است برای نول باین سه هدف، استقلال، دمکراسی، راه رشد سالم، مبارزه میکنند و انقلاب بزرگ اخیر ایران نیز برای حل همین وظایف انجام گرفته است. پس با اینکه گامهای (بقیه در صفحه ۲ - ستون چهارم)

## کار دانشگاهها انقلابی نیست

(صفحه ۲ - ستون چهارم)

● اعلام واقعیات، دست شایعه سازان را کوتاه میکند (صفحه ۴ - ستون سوم)

● آنتی کمونیسم، نمونه روشن افلاس آیدنولوژی بورژوازی است (قسمت دوم) (صفحه ۳ - ستون سوم)

● ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا در آنگولا (صفحه ۳ - ستون سوم)

● رانندگان ساواکی تاکسی‌ها را معرفی کنید (صفحه ۷ - ستون اول)

● اتحاد شوروی خواستار قطع تحرکات و تهدیدات علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام است (صفحه ۷ - ستون پنجم)

● راه یافتن پاسداران به شهر بانی، عملی است انقلابی (صفحه ۲ - ستون سوم)

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

### آقای چمران!

شما حقایق را تحریف میکنید و نیروهای انقلابی را از مستگیری عمده انقلاب، یعنی مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، منحرف میسازید.

فعالیت پشت پرده آقای چمران، که از آمریکا به لبنان جابجا شده و پس از چند سال فعالیت در متن حوادث لبنان، یکسره به معاونت نخست وزیری ایران پس از انقلاب، بایست بسیار حساس مسئولیت در اداره امور امنیت کشور بر گزیده شده است، هر روز بیشتر موجبات نگرانی میهن پرستان واقعی ایران را فراهم میکند.

مستگیری اساسی فعالیت آقای چمران را در مجموعه فعالیت او میتوان بروشنی دید. این مستگیری بطور عمده عبارتست از: الف، امریکا دشمن اصلی و خطر عمده برای انقلاب ایران نیست. دشمن شماره یک انقلاب ایران کمونیسم و در درجه اول اتحاد شوروی است. انقلاب و استقلال ایران از راه دسائس ضد انقلابی امپریالیستهای غرب، بویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم تهدید نمیشود، بلکه اتحاد شوروی خطر عمده را برای استقلال ایران تشکیل میدهد.

ب، باید نیروهای انقلابی مذهبی، نیروهای مسلح و پاسداران را نه برای سرکوب کردن ضد انقلاب، یعنی عوامل امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ساواکیها و دیگر وابستگان رژیم سرنگون شده، بلکه برای سرکوب نیروهای انقلابی چپ راستین در میهن ما تجهیز کرد. برای اینکه ما را به افترا زنی متهم نکنند، در زیر بعنوان یک نمونه از نمونه های بسیار، نکات مهم سخنرانی آقای چمران را، در روز ۱۹ تیر ماه، در مسجد امام حسین، مورد بررسی قرار میدهیم.

آقای چمران در این سخنرانی از جمله گفته است: «از ۲۲ روزنامه که اکنون در ایران پخش میشوند، ۱۸۰ تا پخش روزنامه کمونیستی است.» آقای چمران! شما خوب میدانید که این ادعایتان دروغ محض است. شما خوب میدانید که تعداد روزنامه هایی که از سویالیسم علمی دفاع میکنند با احتساب آنهایی که با اشتباه و گمراهی، ولی صادقانه این دفاع را انجام میدهند، شاید تعدادشان از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نکند. شما خوب میدانید که روزی نامه هایی که از دوران پهلوی بجا مانده و سیاست دفاع از مواضع امپریالیسم و رژیم سابق را، زیر انواع سرپوشها، ادامه میدهند، کوچکترین ارتباطی با کمونیسم ندارند. اینها همانقدر با کمونیسم دشمنی دارند که افرادی که در لباس «روحانی» و زیر پرچم «اسلام» به رژیم شاه خائن خدمت میکردند، با اسلام انقلابی دشمنی می ورزند و بنا بگفته امام خمینی، از ساواکیها هم بدتر هستند.

آقای چمران! ما از شما میخواهیم که اسامی این ۱۸۰ روزنامه کمونیستی را بما اطلاع دهید، ما عینا آنرا در مردم چاپ میکنیم.

آقای چمران! شما خوب میدانید که عمال امپریالیسم آمریکا و بازماندگان رژیم پهلوی، امروز در جهت ماسک انقلابی به چهره خود زده اند، ماسک چپ افراطی بصورت گروهکهای ماژوئیستی و نظائرشان و ماسک راست افراطی بشکل گروههای افراطی مذهبی مانند فرقان و نظائش مخفی و علنی آنها، و یا ماسک طرفداری از «آزادی و دموکراسی»!

آقای چمران! شما خوب میدانید که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم برای بازیافتن منافع از دست رفته و حفظ منافع عظیم بخطر افتاده شان در ایران و منطقه از هیچ اقدامی، حتی تدارک فرستادن ارتش صدوده هزار نفری به منطقه خلیج فارس روگردان نیستند.

سؤال و تمجب ما اینست که، چرا شما این حقایق را، که خوب میدانید، در همه فعالیت تبلیغاتی خود برعکس منعکس میسازید؟ در سخنرانی مورد بحث شما، که نزدیک به ۵۰۰ نفر آشنانیده اند، شما اسمی از امپریالیسم آمریکا، بعنوان دشمن اصلی مردم ایران نبرده اید، ولی بجای آن، بدون هیچگونه پروا، با زدودن شاخدار زیر را پخش کرده اید،

«روسیه شوروی اکنون احساس میکند که نظام اسلامی ایران نمیخواهد به او باج بدهد. جاسوسان روسی وارد مرزها میشوند. هلیکوپترها افراد را به مازندران و آذربایجان میآورند. توسط کشتی اسلحه به بحر خزر میآورند و بین طرفدارانشان پخش میکنند.»

و از آنجا که در کار تبلیغاتی، در این مستگیری، فرد با سابقه و کار آموخته ای هستید، این اظهار را درست بعد از گفته های زیر میکنید:

«در خوزستان لوله های نفت را منفجر میکنند. از یک طرف کارگران را تحریک میکنند علیه کارفرمایان و از طرف دیگر کارفرمایان را تحریک به ترک کشور میکنند. نتیجه یکبارگی ۵۰۰ و بعد کارگران را به تظاهرات وادار میکنند.»

بنظر ما، بهترین پاسخ برای این تبلیغات دروغین شما را میتوان در گفته آیت الله طالقانی داد که اظهار داشته اند: «نمیدانم چرا از بیست سال با نظر طرف در ایران همیشه جاسوس روس پیدا میشود حتی یکبار هم یکی را با تمام جاسوسی آمریکا نکرفته اند!»

البته پاسخ این پرسش آیت الله طالقانی را همه میدانند. جاسوسان آمریکا در ایران همه مصدر امور بوده اند و اگر قرار میشد که در شهر مست گیرند، مجبور میشدند هر آنچه هست گیرند و اکنون هم، پس از انقلاب، اگر در سطح بالائی دولتی، تصفیه جدی از عمال رژیم گذشته و عمال امپریالیسم انجام گرفته، ولی نفوذ آنها

### راه یافتن پاسداران به شهربانی عملی انقلابی است

شهربانی کل کشور بموجب تصویب نامه هیات دولت اجازه دارد چهار هزار نفر از پاسداران انقلاب کمیته های ۱۵ گانه تهران و کمیته های شهرستانها را برای انجام خدمت در تهران و شهرستانها استخدام کند. این تصمیم، از آنجا که موجب راه یافتن عناصر انقلابی به کادر شهربانی میشود و در نهایت به پاکسازی شهربانی از وجود عناصر وابسته به رژیم سرنگون شده پهلوی منجر میگردد، مورد پشتیبانی ماست. ولی، یادآور می شویم که استخدام پاسداران باید با دقت کافی انجام شود تا احیانا عناصر مشکوک و ناپایی که در جریان انقلاب، بدلیل شتاب کار، به داخل کمیته ها نفوذ کرده اند و مشکلاتی را در جریان ماههای اخیر بوجود آورده اند، بداخل شهربانی نفوذ نکنند. این دقت و هویشاری میتواند کمک بزرگی باشد به امر واجب پاکسازی کمیته ها از عناصر مشکوک، که پیوسته مورد تایید رهبر انقلاب نیز بوده است.

### نماینده مردم در سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی

روز پنجشنبه ۲۸ ترمه ۱۳۵۸، از ساعت ۷ تا ۹ بعد از ظهر، جلسه معارفه ای برای آشنائی نمایندگان مطبوعات ایران، وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی در ایران تشکیل بود. نماینده مردم نیز بنا بدعوت رسمی سفارت جمهوری سوسیالیستی رومانی در این جلسه حضور یافت.

### کار دانشگاهها انقلابی نیست

یکصد هزار دانشجوی سال آموزشی آینده میتوانند وارد دانشگاهها شوند. نکته دیگری که مؤید امکان این نظر است، وجود درسهائی در دانشگاهها است که استاد در بوط به آن درس، فقط دو ساعت در هفته به آن میپردازد و برای بقیه ساعاتی که طبق مقررات باید تدریس کند، بیکار است و معطله در دانشگاه میپردازد. بنا بر آنچه اشاره شد، اکنون مردم و بویژه دانشجویان داوطلب ورود به دانشگاهها، که شمار آنان اندکی بیش از ۵۴۵ هزار نفر است، از همه دانشگاهها و شورای هماهنگی دانشگاهها انتظار دارند که به این جنبش انقلابی توجه ویژه ای میدول دارند و نشان دهند که در جهت رفع نیازهای کشور، که یکی از آنها افزایش بیشتر پذیرش دانشجو است، از همه چگونگی فداکاری خودداری نمیکند و حاضرند شبها تا سینه دمان هم شده، بکار تدریس اشتغال ورزند و ظرفیت پذیرش دانشگاهها را افزایش دهند.

درباره ایجاد مدارس عالی جدید نیز وزارت علوم، با وجود شمار بسیار فارغ التحصیلان، که با درجه دکتری و معدل... از خارج آمده اند و هم اکنون بیکارند و بکارهایی از قبیل: بستنی و ساندویچ فروشی و نظائر آنها پرداخته اند، می تواند استفاده کند و مدارس عالی با ضوابط و شرایط معین، زیر نظر وزارت علوم، ایجاد کند.

در این باره ایرادهای وزارت علوم از قبیل نبودن معلم حائز شرایط و غیره وارد نیست و در واقع کمکی است به اینکه هر سال شمار بسیاری از جوانان ما برای تحصیل عازم کشورهای خارج گردند و مبالغ هنگفتی از ارز کشور را خسار سازند و تحت سرپرستی خانواده های خود نیز نباشند. در این باره مطالب گفتمی بسیار است که در فرصتی دیگر درباره آنها توضیح خواهیم داد.

پس از انقلاب پیروز مردم ایران علیه امپریالیسم و استبداد، دانشگاه های ایران در آغاز با فعالیت و پشتکار شایان توجهی به امر تدوین و تنظیم آئین نامه های لازم برای تجدید حیات تأمین و استقلال دانشگاهها پرداختند؛ ولی پس از چندی از سرعت و شتاب اولیه آن کاسته شد، بطوری که در این یکی دو ماه اخیر، کار سازمان ملی دانشگاهها تنها منحصر به تزکیه و تصفیه دانشگاهها از عناصر نامطلوب و سرسپرد رژیم پهلوی بوده و تازه در امر تصفیه و تزکیه هم در بسیاری موارد کارها ناقص و گاهی بصورت انتقام جوئی انجام گرفته است. در روزهای اخیر نیز مشاهده شد که اولیای دانشگاهها، برائس کاهشی اعتبارات دانشگاهها، تهدید کرده اند که نسبت به سال گذشته تعداد کمتری دانشجو می پذیرند و پس از مذاکرات بسیار و خواهش و التماس وزیر علوم، قول داده اند که تا میزان سال گذشته دانشجو بپذیرند (در حدود ۴۰ هزار نفر). در این مورد نیز جای بحث و گفتگو بسیار است، زیرا در سالهای گذشته تعدادی را که عملا می پذیرفتند، بسیار کمتر از میزانی بود که بر حسب آمار اعلام میکردند.

چون دانشجویی که مثلاً در رشته پزشکی در چهار دانشگاه نام نوشته و پذیرفته شده، فقط در یکی از دانشگاهها نام می نوشت و حال آنکه نامش چهاربار در آمار پذیرفته شدگان نوشته میشد. اما جنبش انقلابی دانشگاهها، اگر دنبال شود و ادامه یابد و اعضای آموزشی هر یک تقبل کنند که دو برابر سالهای گذشته تدریس نمایند و از ساختمانهای دانشگاهها نیز، با تئیر در ساعات برنامه، استفاده بیشتری بشود و صرفه جوئی حائز در هزینه های آزمایشگاهی بعمل آید، آنوقت ممکن خواهد شد که میزان پذیرش دانشجو را به دو برابر و حتی بیشتر افزایش دهند و بدین ترتیب در حدود

### تعمیق و گسترش انقلاب به چه معناست؟

شبه از صفحه ۱

انقلاب میشوند، مایه امیدواری امپریالیسم به تجدید قدرت خود میگردد و میکوشد انقلاب را بسوی ستروان ماندن و یا شکست و یا حتی جهش قهرآمیزی سوق دهد. در این شرایط است که شمار «گسترش و تعمیق انقلاب و دستاوردهای آن» به شعاری حاد و مبرم مبدل میگردد.

ما از نیروهای اصیل انقلابی از روحانیت مترقی گرفته تا سازمانها و عناصر صدیق دیگر انقلابی، در هر جا که باشند، چشم داریم که خطر مکنون را بیان ببینند و تا دیر نشده با اتحاد در جبهه متحد خلق، با سرکوب ضد انقلاب، که هم اکنون وارد مرحله تعرض متقابل شده است، و با پشتیبانی قاطع از مشی ضد امپریالیستی امام خمینی، شرایط و زمینه های لازم را برای بسط و تعمیق انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران فراهم سازند.

انجام نیافته مهمی کماکان باقی است. پس تعمیق و گسترش انقلاب یعنی: ۱) اجراء تمام و کمال این وظایف؛ ۲) ایجاد تضمین و تشبیت بسود تحقق واقعی این وظایف در عمل.

چه کسی میتواند مدعی شود که چنین کاری انجام گرفته است؟ بورژوازی لیبرال و روشن فکران پهلوی، با تمام نیرو خواستار محدود کردن انقلاب در چارچوب آزادیهای پارلمانی بورژوازی، راه رشد سرمایه داری، البته با برخی اصلاحات «سوسیال دمکرات مآب»، و حفظ روابط با جهان نواوران غرب هستند. آنها، با استفاده از کسانی که عملاً کلاسی راست را در بسته بندی «چپ» عرضه میکنند (اعم از نجات و شخصیت این افراد)، دولت را در انتخاب راه متزلزل و نوسانگر نگاه داشته اند، مایه تشویق ضد

مهمی در راه انجام این وظایف برداشته و یا اعلام شده، هنوز، در اثر تشتت سیاسی، فشار ضد انقلاب، ابهام در مسئله «چه باید کرد» و وجود چند قدرتی در جامعه و عوامل دیگر تضمین واقعی تحقق این گامها پدید نشده و وظایف

مسئله ریشه کن نشده و در سطوح پائین هم هنوز وضع به حال سابق است.

آقای چمران! ما شمارا آدم بیهوشی نمیدانیم و عقیده داریم که شما خوب میدانید که این ادعای پتان دروغ است. تبلیغات دروغ و ایجاد افکار عمومی خصمانه علیه نیروهای راستین چپ و علیه اتحاد شوروی وسیله ای است برای آماده کردن زمینه روحی برای پذیرش مستگیری سازشکارانه سیاسی که شما و دوستانتان دنبال میکنید.

شما خوب میدانید که برای چه با نقور قراردادن جبهه ایران و آمریکا، که در حقیقت عمده ترین زنجیر اسارت نواستعماری بردست و پای ما بود، مخالف هستید و چرا میکوشید افسرانی را که بر اساس مقامات ارتشی بر میگمارید، از میان کسانی برگزینید که در همین جهت فکر میکنند.

شما خوب میدانید که ارتش ایران میتواند مانند دهها ارتش دیگر کشورهای جهان، بدون جاسوسان آمریکائی، بدون وابستگی به امپریالیسم امویکا، که در حقیقت وابستگی به صهیونیسم اسرائیل هم هست، استقلال خود را بدست آورد.

شما خوب میدانید که این مستگیری سیاسی شما تنها برای آماده کردن افکار عمومی برای پذیرش نظریه شما و دوستانتان است مبنی بر این که «چون در زمان رژیم سرنگون شده همه چیز مایه امپریالیسم امویکا وابسته شده است، ما نمیتوانیم این وابستگی را به یکباره پاره کنیم.»

این نظریه خطرناک شما، که طبق آن گویا تنها از راه ادامه وابستگی میتوان به وابستگی خاتمه داد، بزرگترین تهدید به استقلال ماست و همه دستاوردهای انقلاب را به خطر میاندازد. تحقق این سیاست در این جهت است که مواضع متزلزل شده امپریالیسم آمریکا و هم دستا نیش در ایران تحکیم شود و به پایه های انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، ضربات هولناکی وارد آید.

بقیه از شماره پیش

# ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا



ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا از ۲۶ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ (۵ تا ۱۲ تیر ۱۳۵۸) در لوآندا، پایتخت آنگولا برگزار شد.

در این کنفرانس ۳۷ نماینده یا هیات نمایندگی از کشورهای آسیا و آفریقا ۲۱۹ میهمان یا گروه میهمانان از کشورهای اروپا و آمریکا شرکت داشتند. از ایران فریدون تنکابنی در این کنفرانس شرکت کرده بود.

جمعیت نویسندگان آسیا و آفریقا بیست سال پیش در تاشکند پایه گذاری شده و از آن پس هر چهار سال یکبار، جلسه‌های عمومی خود را به ترتیب در شهرهای قاهره، بیروت، دلی و آلماتا (پایتخت قرقیزستان) تشکیل داده است.

هدف از این کنفرانس‌ها، گذشته از آشنائی نویسندگان دو قاره با یکدیگر و هماهنگ کردن کوشش‌های قلمی و فرهنگی آنها، مبارزه با استعمار و امپریالیسم و جنگ افروزی و کمک به صلح و زندگی سعادتمندانه ملت‌هاست. شعار ششمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا چنین بود:

مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار جدید، نژاد پرستی و آپارتید را شدت بخشیم.

جلسه افتتاحیه کنفرانس صبح روز چهارشنبه ششم تیرماه تشکیل شد. تنکابنی چند از نمایندگان سخن گفتند، از جمله نماینده قرقیزستان (میزبان کنفرانس قبلی) و نیز کامیل یاشین، نویسنده برجسته ازبکستان شوروی. این دو نویسنده در سخنان خود از پیروزی انقلاب مردم ایران یاد کردند و آن را ستودند.

آنکاه دبیر کل کنفرانس گزارش خود را خواند. او از جمله گفت:

«کنفرانس‌های ماه باراز ارزش تاریخی خاص برخوردار است. ابتداء نیز این کنفرانس در آنگولا برگزار میشود که مردم قهرمان آن، به رهبری نویسنده و شاعر برجسته آفریقایی، آگوستینو نتو، علیه امپریالیسم و نژادپرستی می‌جنگد.»

جلسه‌های عمومی کنفرانس با کمیته‌های گوناگون آن در روزهای بعد ادامه یافت و نمایندگان درباره مسائل گوناگون، از جمله

وظیفه ادبیات در کشورهای آسیایی و آفریقایی و مقابله با جدایی‌ها و بیگانگی‌های مصنوعی که استعمارگران ایجاد کرده‌اند و گوناگونی زبان‌ها و شواری ترجمه سخن گفتند. نماینده کوبا درباره مشکل بی‌سوادی و حل آن در کوبا سخن گفت.

نکته جالب توجه این‌که، برخلاف برخی نویسندگان و منتقدان محافل هنری اروپایی غربی و آمریکایی شمالی، که می‌گویند میان کار ادبی و کار سیاسی و اجتماعی دیوار بکشند و وانمود کنند که نویسندگان را با سیاست کاری نیست، نویسندگان آسیا و آفریقا به‌صراحت این نکته را اظهار داشتند که در جوامع آنها کار ادبی از کار سیاسی جدا نیست و بر این نکته تأکید ورزیدند که برای آنها نوشتن، در عین حال، یک وسیله مبارزه سیاسی است.

در نخستین روز کنفرانس، کمیسر شهر لوآندا، شرکت کنندگان را به مضامین ناهار دعوت کرد و در سخنان خود به کوشش‌هایی که برای بازسازی شهرهای آنگولا و تأمین آسایش ساکنان آن میشود، اشاره کرد، زیرا دودوره استقلال، جمعیت لوآندا و برابری آن، روز شنبه ۹ تیر نیز شرکت کنندگان به شهر مالانژ، در شمال آنگولا، که ناحیه‌ای غنی و سرشار از منابع زیر زمینی است، سفر

گشته و ثروت سرشاری گرد آورده بود، به اقتضای ماهیت طبقاتی اش یک ضد کمونیست بود.

او با کمونیسم نه فقط به خاطر تأمین منافع اربابان امپریالیستی اش مبارزه میکرد، بلکه این مبارزه برای او یک هدف بود و جنبه دفاع از خویشین داشت، دفاع از زمینهای غصبی، دفاع از ثروت‌های غارتی، دفاع از دیکتاتوری فردی، او خوب می‌دانست که کمونیسم دشمن استثمارگران (مستکبرین) و مدافع استثمار شونده‌گان (مستضعفین) است.

بنابراین همچون دزدی که از قانون و عدالت می‌ترسد، از کمونیسم می‌ترسد و در مبارزه با کمونیسم به هر خیانت و جنایتی دست می‌زد، او در سالهای آخر سلطنتش پای فاشیسم آلمان را به ایران باز کرد و به‌ویژه اجازه داد که میهن‌مارا به پایگاه سیاسی و نظامی خود مبدل کند، باین ترتیب آنتی کمونیسم به امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی خدمت می‌کرد و وسیله‌ای بود برای تحکیم بندهای اسارت و وابستگی ایران به امپریالیسم، تشدید اختناق و غارت و چپاول مردم کشور.

اینها تجربه تاریخی است، تجربه یک دوران مهم کشورما، دورانی پر مبارزه، که برای مردم میهنمان به‌بهای گران تمام‌شده میبایست از آن پند گرفته شود. ناخوشودنی است اگر تجربه نسلی مورد استفاده نسل‌های آینده قرار نگیرد.

ادامه دارد.

## آنتی کمونیسم نمونه روشن افلاس ایدئولوژی بورژوازی است

در مقاله گذشته دیدیم که با ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی در روسیه و استقرار حکومت کارگری و دهقان‌نی در این کشور، امپریالیسم جهانی، از بیم توسعه و نفوذ ایدئولوژی کمونیستی به دیگر کشورها و مناطق جهان، با سلاح آنتی کمونیسم به مقابله و مبارزه با آن پرداخت.

کشور ما ایران، بعلت موقعیت مهم جغرافیایی و همسایگی اش با اتحاد شوروی، مقام مهمی را در نقشه‌های ضد کمونیستی امپریالیسم احراز میکند. روی کار آمدن رضا خان بدست امپریالیسم انگلستان و آغاز سلسله پهلوی در ایران نیز اصولاً مربوط به همین مسئله بود. اگر تا آنوقت منافع استعماری امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری ایجاب میکرد که در ایران اصول ملوک‌الطوایفی حکمروا دولت مرکزی فاقد قدرت لازم باشد، تا آنها بتوانند این کشور را تماماً به مستعمره خویش مبدل کنند و آنرا بین خود تقسیم نمایند، ولی اکنون منافع امپریالیسم انگلستان الزام میکرد که ایران، بمثابه یکی از حلقه‌های مهم کمربند «امنیتی» بدور روسیه شوروی، از قدرت کافی و متمركزی برخوردار باشد، تا بتواند وظیفه خود را در مقابله با کمونیسم هر چه بهتر انجام دهد.

لازمه انجام چنین وظیفه‌ای اتخاذ سیاست ضد شوروی و اجرای خط مشی خصمانه نسبت به حساسیه شمالی بود، سیاستی که در تمام دوران سلطه دودمان پهلوی اعمال میشد. آیا این سیاست کوچکترین انطباقی با منافع مردم ایران داشت؟ مسلماً نه. چرا؟ بطوریکه میدانیم، با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دولت روسیه تزاری، که دشمن استقلال و تمامیت ارضی ایران و شریک امپریالیسم انگلستان در تقسیم ایران به مناطق نفوذ بود، از پس رفت و بجای آن دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان استقرار یافت، کسبه در نخستین فرامین و تصویب‌نامه‌هایش لئو کلیه قراردادهای و امه‌های اسارت‌باری را که دولت روسیه تزاری به ایران تحمیل کرده بود، اعلام داشت، از کلیه امتیازات دولت روسیه و اتباع آن در ایران صرف‌نظر نمود و کلیه تأسیسات و اموال متعلق به روسیه تزاری را به مردم ایران واگذار کرد. دولت روسیه شوروی قراردادهای اسارت‌بار تقسیم ایران به مناطق نفوذ را لغو و اعلام نمود و آمادگی خود را برای انعقاد قراردادهایی با حقوق برابر و با سود متقابل با دولت ایران ابراز داشت، که قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۷ و دیگر قراردادهایی که در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و بازرگانی تا این تاریخ بین دو کشور انعقاد یافته، همگی از اینگونه‌اند.

بدینسان، دولت شوروی، از نخستین روز تأسیس خود، دست دوستی، برادری و برابری بسوی مردم ایران دراز کرد. اگر دولتهای ایران واقفاً ملی بودند، میتوانستند از آن بحسب اکثر در جهت حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی، در راه پیشرفت و اعتلای کشور استفاده کنند. ولی آنها، به تبعیت از منافع امپریالیسم، نه فقط از این امکان استفاده نکردند، بلکه با پیروی از سیاست آنتی کمونیسم، از پیشرفت و گسترش مناسبات بین دو کشور مناعت بعمل آوردند. سیاستی که نه‌با منافع ایران مطابقت داشت و نه متناسب با برخورد برادرانه و دوستانه دولت نو بنیاد شوروی بود. البته از رژیم دست نشانده‌ای مثل رژیم پهلوی، که خود زاده سیاست استعماری امپریالیسم و موافق به اجرای آن سیاست بود، انتظار دیگری نمیشد داشت.

در دوران رضاشاه این سیاست در دو جهت عمده پیاده میشد، اول، در جهت بی‌اعتبار ساختن کمونیسم، از طریق تحریف اصول آن و واقعیات مربوط به زندگی مردم شوروی و کشورشورها، نشر اکاذیب و اداجیفی که عموماً بعلت بی‌اطلاعی صرف مردم از واقعیات کمونیسم، بصورتی مبتذل انجام میگرفت، نظیر مثلاً شایعات بی‌اساس در مورد اشتراک زن، فقدان خانواده، عدم تعلق فرزند به والدینش و یا مسئله فقدان مالکیت شخصی و اینکه در جامعه سوسیالیستی همه چیز متعلق به همه کس است و هیچکس صاحب هیچ چیز نیست و نظایر آنها، که انعکاسشان تا به امروز نیز بنحوی در افکار و اذهان مردم بیخبر باقی مانده است.

دوم، مبارزه بی‌امان با هر گونه جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک، سرکوب حزب کمونیست ایران و اتحادیه‌های کارگری، که مستقیماً از سیاست ضد کمونیستی امپریالیسم سرچشمه می‌گرفت. امپریالیست‌ها که در کشورهای خود نمی‌توانستند از تشکیل احزاب کمونیست و مبارزات صنفی اتحادیه‌ای جلوگیری کنند، در کشورهای مستعمره و وابسته، بدست عمال مزدور خود، از ایجاد این جنبش‌ها و تشکیل چنان سازمانهای سیاسی، باخسوفت جلوگیری بعمل می‌آوردند و هر گونه تلاش در این زمینه را به خاک و خون می‌کشیدند. در این مورد، تصویب قانون ضد کمونیستی سال ۱۳۱۰ بویژه قابل تذکر است که مردم ایران بحق آنرا «قانون سیاه» نامیده‌اند. بموجب این قانون، بیدادگاه رضاشاهی، عده‌ای از بهترین فرزندان مردم ایران، رهبران و فعالین جنبش کارگری ایران را، که در شرایط ترور و اختناق آنروز کشور، فعالیت زیرزمینی می‌کردند، به زندان افکند و برخی را نابود کرد و از جمله دکتر ارانی، رهبر بزرگ زحمتکشان ایران را بدست دژخیمان سرسپرده، در زندان به هلاکت رساند.

از فعالیتهای ضد کمونیستی رژیم رضاشاهی زیاد می‌توان نام برد. شخصی رضاشاه، نه بعلت هیستری زمینخواری و در نتیجه چپاول و غارت بی‌بندوبار اموال مردم، به بزرگترین زمیندار ایران مبدل

نامی‌بیا و صحرا و نیز از انقلاب فلسطین، ایران و افغانستان پشتیبانی شده است. همچنین از امر صلح و مبارزه با جنگ آفریزی و مسابقه تسلیم‌جاتی.

نمایندگان با کف زدن ممتد خود این قطعنامه را تصویب کردند.

در جلسه پایانی کنفرانس، که بعد از ظهر همان روز برگزار شد، آگوستینو نتو، رئیس‌جمهور آنگولا، نیز شرکت کرد و سخن گفت در شب همان روز، در ضیافت خداحافظی، نمایندگان از نزدیک با پرزیدنت نتو آشنا شدند.

این کنفرانس گام مهمی بود در جهت تحکیم و تثبیت موقعیت نویسندگان مترقی جهان و هماهنگ کردن مبارزه آنها علیه امپریالیسم، استعمار جدید، نژاد پرستی و آپارتید، بنا بر این عجب نیست اگر با توطئه سکوت خیرگزارها و مطبوعات غرب روبرو شد. متأسفانه روزنامه‌های خبری ایران نیز کلمه‌ای درباره آن ننوشتند.

اما همچنان که در پایان قطعنامه کنفرانس آمده است، از آنجا که مبارزه ادامه دارد، پیروزی قطعی است!

## پورش ضد انقلاب به کتابفروشی‌ها

### به رهبری مائو قیمت‌ها

ضد انقلاب، با برنامه حساب‌شده‌ای، به کتابفروشی‌ها فروشنده نشریات حزب توده ایران در میانه حمله کرد.

ماجرا باین ترتیب اتفاق افتاد که، روز بیست و سوم خرداد، گروهی از افراد مشکوک که در میدان شهر اجتماع کرده بودند، شروع به دادن شمار «کمیته اسلامی متحل باید گردد» کردند. لحظاتی بعد، چند نفر از مائوئیست‌ها هم به آنها پیوستند و به شعار دادن علیه کمیته‌ها پرداختند. دقایقی بعد این شمار آنها به شمار «جاویدشاه» تبدیل شد. در این موقع مردم، که شاهد ماجرا بودند، خشمگین شدند و به آنها حمله کردند. عناصر مشکوک، که توسط مائوئیست‌ها رهبری میشدند، فرار کردند و عده‌ای از آنها، در حالیکه شمار «جاویدشاه» را به شمارهای تند ضد کمونیستی تبدیل کرده بودند، به کتابفروشی فروشنده نشریات حزب توده ایران حمله کردند و مشغول پاره کردن و از بین بردن کتابها شدند. این افراد مجدداً شروع به دادن شمار «مرگ بر کمیته» و «جاویدشاه» کردند و به یک کتابفروشی دیگر حمله ور شدند. در جریان این حمله عناصر ضد انقلابی، ۵۰ هزار تومان به کتابفروشیها خسارت وارد شد.

### از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

هموند ۲۰۰۰ مارك آلمان فدرال  
دفتری ۱۶۳۰۰ ریال  
فرید و فرهاد و فرزانه مظفر ۱۰۰۰۰ ریال



### اعلام واقعیات دست شایعه پردازان را کوتاه

#### میکنند

شایعه پراکنی و سپس جمع بندی شایعات حساس شده از شیوه های عمل «سپاه» امریکا است، و تمام دست پروردگانش نظیر ساواک و موساد و... نیز در این زمینه کار کرده اند. وجود يك تشکیلات مستقل و مجهز برای شایعه پراکنی در سازمان مخوف ساواک شاه مخلوع از جمله دلایل این امر است. سیا و عمل سرسپرده رژیم سرنگون شده شاه ساواک در این زمینه بر فعالیتهای خود افزوده اند و در باره مسائل مختلفی که مردم نسبت به آنها دغدغه خاطر دارند، بی وقفه شایعه در درشهرها پخش میکنند تا از سوئی نگرانیها را تبدیل به دلزدگی از انقلاب کنند و از سوی دیگر با جمع بندی، نتایج بدست آمده از شایعات، نقاط ضربه پذیر نهضت را مشخص تر کنند. این تلاش از قبل از پیروزی قیام مسلحانه مردم و پیروزی انقلاب بعنوان مختلف شروع شده بود و اکنون با شدت بیشتر و با مضمونهای مختلف ادامه دارد.

شدت این تلاش را میتوان از روی سخنان اخیر سخنگوی دولت تشخیص داد. وی در مصاحبه اخیر خود رسماً اعلام داشت که شایعات حساس شده ای از سوی افراد ضد انقلاب در سطح مملکت پراکنده می شود. از جمله اینکه گفته میشود هفته ای شش میلیون دلار از سوی افراد ضد انقلاب، که مرکز آن در تهران است، صرف تبلیغات و شایعه پراکنی بر ضد انقلاب ایران می شود.

سخنگوی دولت توضیحات بیشتری در این زمینه تداد و از محور اصلی شایعات نیز سخنی به میان نیاورد، در حالی که مردم چنین انتظاری را دارند تا بدانند کدامیک از این همه زمنه های که در ایران جریان دارد، شایعه است و کدام واقیعت. اگر تمام واقیعتها، آنطور که روی می دهد و وجود دارد، برای آگاهی عموم منتشر شود، قاطع ترین روش برای خنثی کردن شایعات اتخاذ نشده است؛

بدقت «مردم» دوستی مراجعه کرد و نوشته ای داد. نوشته ای کوتاه و تکان دهنده. در آن چنین میخوانیم: بیاد رفیق از دسترفته ام مقصود ابهری، که در روز ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱، در زیر تانک، در اول خیابان اکباتان از طرف مجلس، تکه تکه شد. توده ای قهرمان/ شهید راه ایمان/ نشکسته ایم پیمان/ راحت ادا، دارد.»

از ع. ج.، تهران، نامه ای دریافت کرده ایم. وی ضمن «براز همبستگی با آرمان حزب و قدردانی از تلاش بیگانه و آگاهانه»، انتقادی دارد مربوط به مسئله مسکن در شماره ۳۸ «مردم». وی می نویسد: «در عین حال که مطلب منطبق با واقیعت است، بنظرم رسید که ارقام ذکر شده یا اشتباه ذکر شده یا نتیجه عدم دقت بوده است.» وی اضافه میکند: «این وسواس من از آن جهت است که روزنامه مردم برایم قطبنماست و هر حمله خصمانه به آن برایم درد آور است.»

با تشکر از دوست عزیز ع. ج. باید اضافه کنیم که در مورد مقاله مربوط به آموزش و سطح سواد نیز دوستانی تذکراتی در همین زمینه داده اند و وجود آمار معتبری را یادآوری کرده اند. بهمه این دوستان عزیز باید بگوئیم که منبع اطلاعاتی ما آمار و ارقامی است که توسط دستگاههای رسمی دولتی چاپ شده است. البته ما خود سازمان ویژه آمارگیری نداریم و در ضمن میدانیم که رژیم گذشته تا چه اندازه ارقام غیر واقعی یا مخدوش و نامطمئن میداده، بطوریکه حتی در همان زمان هم داد هر بررسی کننده و ناظر منصفی از آشفتگیهای وضع آمارگیری بلند بوده است. و اما آماریکه در این دو مقاله مورد استفاده قرار گرفته، از کتاب حجیمی که «سالنامه آماری کشور» نام دارد و مربوط به سال ۱۳۵۶ (یا آنطور که روی جلد آن نوشته شده ۲۵۳۶!) است، استخراج شده. این نشریه از جانب سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران انتشار یافته است. البته هر آمار درست تردیدگیری که بلطف و توجه دوستان بما برسد، موجب امتنان خواهد شد، با علاوه کردن این موضوع، که در اصل مطلب، یعنی وضع بسیار اسفناکن مسکن و سواد در ایران، که اثر سنگین و سیاه رژیم سلطنتی منفور است، جای هیچ تردیدی نیست.

تلگرامی دریافت کرده ایم از هندوستان. امضا کنندگان تلگرام گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم هند هستند. متن تلگرام چنین است: «ما بسیار خوشحالیم که «مردم» در عمارت جدید خویش کار میکند و برای حزب پیروزی آرزو می کنیم.» متقابلاً «مردم» از دریافت این تلگرام بسیار خرسند است و موقعیت دوستان خود را در کار و مبارک آرزو دارد.

از ارومیه نامه ای داریم که ح. ا. آنرا نوشته است. وی شرحی از مبارزه و فداکاریهای نسل پیشین و منجمله سرسختی و مقاومت آزادیخواهان آذربایجانی و چنانست بی سابقه ای که شاه مخلوع انجام داد، نوشته و لزوم یادآوری از «رفقای قدیمی و رفتن سراغ ایشان و دعوت از آنها راه خاطی نشان ساخته است.

دوست ارجمند! تجربه رفقای قدیمی و بهره گیری از سابقه و فعالیتهای این مردان رزم دیده، بدون تردید یکی از وظایف ماست و توجه ما باین مسئله ابتدا کم نیست. همه رفقای قدیمی، که در این سالهای سیاه جهنمی، با استواری و سر بلندی با آرمانهای حزب وفادار مانده و در گرداب منجلاهای گوناگون سیاسی و اخلاقی و خالی وزد و بند فرغ نشده اند و برعکس تا آنجا که توانسته اند سرمشق شایسته ای برای جوانان ما بوده اند، سرمایه بی جایگزینی هستند که وظیفه حتمی ما حفظ و بهره گیری از آن، بخاطر مسلح ساختن نسل جوان توده ای و انتقال تجربه غنی آن مبارزان است. اما از این که بگذریم، خود میدانید که چند ماهی پیش از آغاز دوباره زندگی عینی حزب نمیکرد و امکانات ما هنوز وسیع نیست. این وظیفه همه رفقا و دوستان است که منتظر دعوت و سراغ رفتن نباشند، بلکه خود سراغ آید و به جستجو برخیزند. و انتظار سازمان حزبی را بر آورده سازند. اگر هم در شهری امکانات تماس فعلاً فراهم نیست، میتوان با نزدیکترین نقطه که در آن دفتر حزب گشایش یافته، تماس گرفت و خود پیشنهاد داد و طرز سازمان دادن و گردد آوری نیروها را توصیه کرد.

در ضمن عده ای از دوستان که هنوز در شهرستان دفتر حزب دأر نشده، سؤال کرده اند که برای تماس با حزب چه کنند؟ اگر امکان مسافرت به تهران را دارید، میتوانید مستقیماً بدویرخانه مراجعه کنید که سهلترین راه است و زودتر از همه به نتیجه میرسد. اگر نه، بدقت حزب در نزدیکترین شهر محل اقامت مراجعه کنید و اگر امکان هیچ سفری را ندارید، ناچار برای تماس تشکیلاتی، باید تا افتتاح دفتر حزب در

## چهارم مرداد ۱۳۳۲ در نبرد رویاروی با دژخیمان شاه مخلوع: ۳ رفیق کارگر توده ای، در مسجد سلیمان جان خود را فدای آرمان حزب توده ایران کردند

### مراسم بزرگداشت ۳ رفیق در مسجد سلیمان

مراسم بزرگداشت بیست و ششمین سالروز شهادت رفقای توده ای: بهار آقا اورک، حاجی مراد علاسوندی و مگروون گورویان، که جان خود را فدای آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران کردند، در مسجد سلیمان برگزار میشود. کمیته شهرستان حزب توده ایران از تمام اعضاء، هواداران و مردم مبارز مسجد سلیمان میخواهد که در این مراسم، که روز پنجشنبه ۴ مرداد، در بهشت زهرا ی چهارمیشه برگزار میشود، شرکت کنند.

بهار پیشاپیش میرفت و پرچم را به اهتزاز در میآورد، دژخیمان روی کارگران آتش گشودند و پیش از همه چند کلوله بریکر بهلوانی رفیق بهار نشست. رفیق با تن خونین، استوار و سرفراز، براه خود، براه طبقه کارگر، براه حزب توده ایران، ادامه داد. چند قدم آنطرف تر، رفیق سرانجام به خاک افتاد و پرچمش از خون او رنگ گرفت. رفقای دیگر پرچم را برداشتند و راه او را ادامه دادند. در آن روز دو رفیق دیگر هم، رفقا حاجی مراد و گورگورویان شهید و دهها کارگر سندیکی مجروح شدند. صد نفر از رفقای کارگر توده ای هم به زندان برده شدند. خبر شهادت رفقا، شهر را به آستانه انفجار کشاند. دژخیمان از هراس گریختند. مردم شهر به رهبری رفقای کارگر توده ای در تلگراف خانه متحصن شدند و دستگیری و مجازات مسببین حادثه را خواستار شدند. رفقای توده ای در سراسر ایران این خواست بحق را دنبال کردند و سرانجام دژخیمان دستگیر و زندانی شدند. اما، چند روز بعد کودتای ننگین ۲۸ مرداد روی داد و جانانیان نه تنها از زندان آزاد شدند، بلکه پادشاهیاتی خود را از شاه خائن گرفتند.

### خواست ما

حزب توده ایران از دولت موقت انقلاب میخواهد تا با بررسی حاد شهادت رفقای توده ای ما در روز چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، سبب این فاجعه را اگر هنوز به حیات خائنه خود ادامه میدهند، به دادگاههای انقلاب بسپارد. رفقای ما، در سراسر ایران با بزرگداشت خاطره تابناک رفقای شهید در حادثه چهارم مرداد سال ۱۳۳۲ در مسجد سلیمان، سوگند میخورند که راه پرافتخار آنها را ادامه دهند.

چهارم مرداد، یکی از آن روزهای بی شمار است که توده ای ها، این فرزندان وفادار خلق، دلاورانه به مصاف دژخیمان شاه مخلوع رفتند و از خونشان، پرچم نبرد کارگران رنگین تر شد. آن روز، چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، حماسه نبرد و شهادت در مسجد سلیمان روی داد. رفقای حزبی ما، رفیق شهید بهار آقا اورک، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران صنعت نفت در مسجد سلیمان و عضو شورای متحد شهرستان مسجد سلیمان، رفیق شهید حاجی مراد علاسوندی، کارگر قسمت تعمیرات و عضو فعال سندیکای کارگران صنعت نفت و رفیق شهید مگروون گورگورویان، کارگر باز بین قسمت حسابداری، جان خود را در راه آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران فدا کردند. روز چهارم مرداد سال ۱۳۳۲، بدنابل مبارزات بیگیر حزب توده ایران، زمینه تاسیس سندیکای کارگران صنعت نفت در مسجد سلیمان فراهم گردید و از همه کارگران شرکت نفت حوزه مسجد سلیمان دعوت شد تا در دفتر سندیکا جمع شوند.

### وحشت امپریالیسم

امپریالیسم و ارتجاع، که از تاسیس این سندیکای کارگری به وحشت افتاده بودند، معمم شدند برای جلوگیری از گسترش نفوذ حزب توده ایران در این شهرستان، مانع تشکیل سندیکا شوند. سرپرندگان ارتجاع در منطقه، مهندس بلالی رئیس منطقه شرکت نفت، سر تیب مظفری و سر تیب مکروری استاندار و فرماندار مسجد سلیمان، با عوامل فئودالهای وقت و کارگران سازمانهای ارتجاعی برای جلوگیری از ایجاد سندیکا با هم متحد شدند. آنها دژخیمان سرشناسی چون سرگرد آزاد یگانه فرماندار نظامی، سرگرد منوچهری رئیس شهربانی وقت مسجد سلیمان و استوار پیل آرام و عده ای سرباز را برای کشتار کارگران دعوت کردند. نقشه دژخیمان این بود که با کشتار کارگران مبارز و فعالان حزب، مانع افتتاح دفتر سندیکا شوند.

رفقای حزبی، که دفتر را در محاصره سربازان دیده بودند، در جلسه ای بساین نتیجه رسیدند که وظیفه آنها تشکیل سندیکاست و در این راه جان خود را خواهند داد.

رفقای حزبی، پیشاپیش صفوف فشرده کارگران، به محل دفتر رفتند. در آنجا کوشیدند با دژخیمان، که از دژ فول و تهران برای کشتار دعوت شده بودند، مذاکره کنند و حق مسلم خود را برای دایر کردن سندیکا به آنها تفهیم کنند. اما جسدان از پیش نقشه قتل عام کارگران را کشیده بودند. چند مزدور ارتجاع، که در میان کارگران و مردم بودند، بطرف سربازان سناک انداختند و آنها هم مطابق نقشه در جواب سنگها، یورش را آغاز کردند. رفیق بهار، پیشاپیش صفوف کارگران ایستاده بود. تا یورش سربازان آغاز شد، او پرچم سرخ کارگری را، کسه در دستهای نیرومندش قرار داد، گشود و دلاورانه به جانب سربازان حرکت کرد و فریاد زد:

کارگران به پیش!

صفوف فشرده کارگران بحرکت درآمد. رفیق

شهر خود صبر کنید، منتهی لازمست که مطابق رهنمودهای حزب عمل کنید و «مردم» را بدقت بخوانید و سیاست حزب را تبلیغ کنید و فعلاً از طریق پست با «مردم» تماس بگیرید.



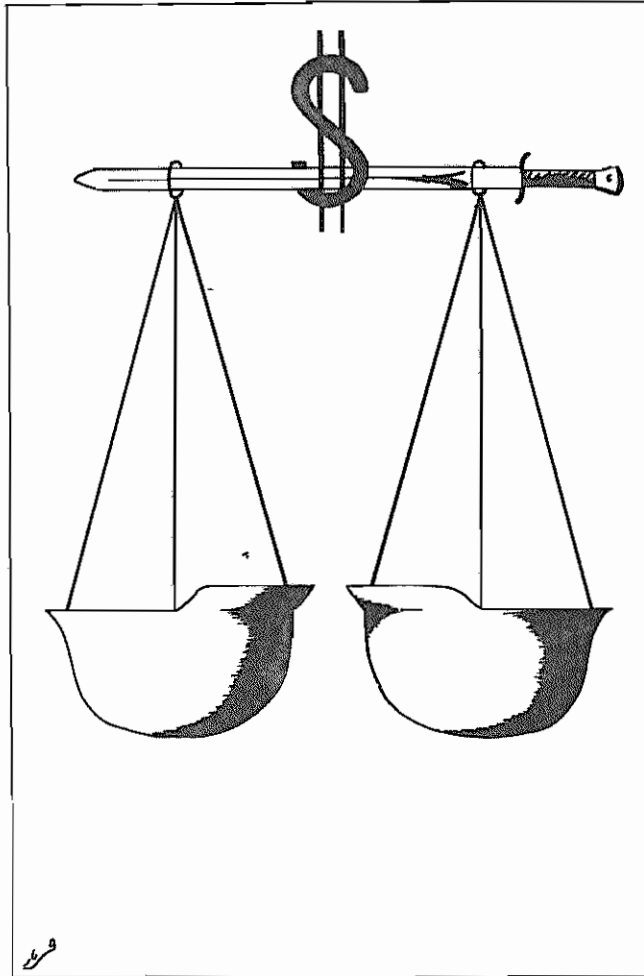
دوستی خبری داده است که در جهت تأیید برخی فعالیتهای مشکوکی است که در نهایت امر بسود ضد انقلاب است. خبر از فرغ شهر (تهرخ) است که طبق آن، کتابفروشی بهرنگه، جمعه شب ۱۳ تیرماه توسط عده ای مورد حمله قرار گرفته و کتابها با آتش کشیده شده است. کتابفروشی که بیشتر کتب مترقی و مورد علاقه مردم را مفروخته، مورد خشم و غضب عناصری واقع شده که به انقلاب ضربه میزنند.



در هفته های اخیر بازم اشعار فراوانی، در سطح های مختلف، دریافت کرده ایم. شعله، همکار قدیمی ما که، قیلام آثاری از وی را در «مردم» خوانده ایم، شعری با نام «ویدار» فرستاده، منجمله با این ابیات: «آری رفیق/ با من

خوش میباش/ و لحظه غنیمت دیدار را/ پر کن ز حجم خوب رفاقتها/ بگذار/ چشمان منتظر/ ترا در انتهای روز به ببیند.» ف. خاور شعری فرستاده، تقدیم به خسرو روزبه، شهید توده ای، منجمله با این ابیات: «پیشانی بلند/ ای نام نامی است/ بیدار باش کشورم را از فصل نانجهب کودتا/ تا ایام رهایی و نور/ به کدامین اقبانوس تعلق داری/ که هنوز/ سیلابی از سرود ستاره/ در درون من جاری است.» او شمرد دیگری هم برای شهید توده ای «اقدام دوست فومنی» سروده با نام «نظام تلخ تیر» و منجمله با این ابیات: «آفتاب ولایت من/ ای حرارت باقی/ اینک امروز/ بن مینم/ در خاک خون و خاطره ات/ و جنگلی/ از فرزندانگان میسازیم.» و بسال اخره این ستون را امروز با شعری با عنوان «با مردم زمانه» در «مردم» پایان میدهم. میآید/ با کوله بار تجربه / با کوله بار تجربه های بد، با سالهای سخت/ و لحظه های توانستن... استاد برستیغ فلق، گلگون/ با مردم زمانه، تا «مردم» بارانی از ستاره بهامونش.» این شعر را الف. شمیم، «مستان» فرستاده است.

# این «بررسی» قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا بالاخره چه شد؟



فرش

## عدالت به سبک آمریکائی!...

دیگر از دولت و وزارت خارجه ایران در منطقه است، زیرا وجود این قرارداد، انقلاب ایران و امنیت کشور ما را به خطر میاندازد. ما بنام مردم ایران، بنام انقلاب رهائیبخش ملی ایران، بار

همه خواستاران صلح و امنیت در ایران در منطقه است، زیرا وجود این قرارداد، انقلاب ایران و امنیت کشور ما را به خطر میاندازد. ما بنام مردم ایران، بنام انقلاب رهائیبخش ملی ایران، بار

قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، که مکمل پیمان «بندار» (سنتو) است، چگونه از طرف دولتی که از «سنتو» خارج شده و خود را «غیرمتعهد» اعلام داشته، هنوز حفظ میشود؟ خروج از «سنتو» ضمن حفظ قراردادی که دست امریکا را در مداخله و از جمله مداخله نظامی در ایران باز میگذارد، چه تعبیری دارد؟ در حال «معمای» خودداری از لغو قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا باید پدیدرنگ در برابر مردم گشوده شود. مبارزات پیگیر چند ده ساله مردم ایران، بزندان افتادن، شکنجه کشیدن، اعدام شدن، نثار جانها در خیا بانها و بالاخره انقلاب با دهها هزار قربانی برای این بوده است که کشور از اسارت امپریالیستهای باید و قرارداد دوجانبه «سند حقوقی» این اسارت است. اگر کسانی تصور میکنند که از این ستون بآن ستون فرج است و میتوان با بتعویق انداختن الغاء قرارداد دوجانبه، آنرا حفظ کرد چنین کسانی، اگر احتمالاً وجود دارند، اشتباه میکنند. این قرار داد برای مردم ایران «قابل هضم» نخواهد شد. این قرارداد ملنی شدنی است و باید ملنی شود و به تعویق انداختن الغای آن، آنرا نجات نخواهد داد، زیرا که الغای این قرارداد خواست مردم ایران، خواست انقلاب ایران، خواست

هفتها پست سرهم و ماهها یکی بعد از دیگری سپری میشود و این «بررسی» قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا تمامی ندارد! متن قرارداد چندین پیش انتشار یافت و هر کسی این متن را دید، بی «بررسی» فهمید که این قرارداد سندی است که سلطه سیاسی- نظامی ایالات متحده را در ایران چهارمیخه کرده، تا آنجا که دولت ایران تابع بی چون و چسرای اختیاراتی شده است که کنگره امریکا بطور فوق العاده بر رئیس جمهور آن کشور تفویض کرده است! هر کسی این سند را دید، بی «بررسی» فهمید که دولت امریکا از رژیم خائن پهلوی «حق» گرفته است که در کشور، مداخله و از جمله مداخله نظامی کند و بر علیه مردم ایران، تحت عنوان مقابله با «تجاوز غیر مستقیم» (۱)، ارتز گسیل داند. آیا لغو چنین سندی که بدولت امریکا اختیار میدهد که «طبق قانون اساسی امریکا اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود»، نسبت به کشور و مردم ما اعمال کند، نیاز به «بررسی» دارد، و اگر نیاز دارد، این بررسی الی غیرالتهایه بساید ادامه یابد؟ راستی خودداری از ازنای قرارداد تنگین و اسارتبخش دوجانبه نظامی با امریکا حیرت انگیز است. گوئی نه انقلابی انجام گرفته و نه این انقلاب ضد امپریالیستی و برای تأمین استقلال کشور بوده است.

# مشی ما نسبت به دولت انتقاد سازنده است

آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر، طی نطقی در ۲۸ تیرماه اعلام داشت که برای ایجاد وحدت تصمیم گیری و تمرکز قدرت، شورای انقلاب و دولت درهم ترکیب و ادغام شدند و ابراز امیدواری نمود که با ازین رفتن تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری، دولت بتواند بر مشکلات فائق آید. اقدامی که در جهت یگانگی قدرت حاکمه انجام گرفته، اقدام مهمی است و اینک ما امیدواریم دولت که از ناهم آهنگی رهایی یافته، در جهت پیشبرد انقلاب جدی تر و قاطع تر از گذشته گام بردارد، با قاطعیت نفوذ اسارتگر امپریالیسم رادر کشور ریشه کن سازد و با قاطعیت، حقوق و آزادیهای دموکراتیک را تأمین، تحکیم و تثبیت کند. ما دریاری بدولت، در انجام این وظایف خطیر، بسهم خود، مانند گذشته، خواهیم کوشید تمام اقداماتی را که در راه تحکیم استقلال کشور در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و غیره و نیز در زمینه تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک انجام گیرد، تأیید و تقویت کنیم و در عین حال، هر کجا، در زمینه های نامبرده، تعلل و تسامح مشاهده شود، آنرا مورد انتقاد سازنده قرار دهیم، یعنی ضمن انتقاد از نارسائیها خواهیم کوشید، پیشنهادهائی که بنظر ما برای نیل بهدفعات انقلاب می تواند مفید باشد، آشکار و صریح مطرح سازیم. در گذشته نیز روش ما چنین بوده است. مامثلاً از ملی کردن بانکها، شرکت های بیمه و بخشی از صنایع بزرگ پشتیبانی کرده ایم و در عین حال خواستار شده ایم که دولت اولاً در این زمینه گامهای بلندتری بردارد و ثانیاً این تصمیمات را هرچه زودتر و با قاطعیت اجرا کند. یا مثلاً ما از اقدام دولت به لغو پیمان سنتو قویا حمایت کرده ایم، ولی تعلل دولت را در لغو قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، که بر مراتب بیش از پیمان سنتو اسارتبخش است، قویا انتقاد کرده ایم. یا مثلاً ما اقدام دولت را به اخراج بخشی از مستشاران نظامی آمریکائی مورد تأیید و پشتیبانی قرارداده ایم، ولی در عین حال می خواهیم که دولت، ارتش جمهوری اسلامی ایران را از وجود تمام مستشاران آمریکائی پاک کند، ارتش را از هر گونه وابستگی تسلیحاتی، سازمانی، تعلیماتی و ایدئولوژیک به دستگاه دولتی و نظامی امریکا رهایی بخشد.

این مشی انتقاد سازنده، که همراه با پیشنهادهای مشخصی نیز هست، موجب تقویت قدرت حاکمه و دولت است و نه تضعیف آن، زیرا هر قدر دولت در راه رسیدن به اهداف انقلاب - استقلال و دموکراسی - با گامهای بلندتر و با قاطعیت بیشتر پیش رود، تن به فشارهای امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته ندهد، بهمان نسبت پایگاه اجتماعی خلقی خود را مستحکم تر می سازد و بنابراین قوی تر میشود. و برعکس، هر قدر دولت با دشمنان بالفعل و بالقوه انقلاب آشتی پذیرتر باشد، از مردم جدا تر خواهد شد و بنابراین ضعیف تر خواهد گردید. ما نمی خواهیم دولت ضعیف گردد. ما می خواهیم دولت دم بدم در راه پیشبرد انقلاب، تسارنجام پیروزمندان، نیرومندتر گردد. بهمین دلیل ترکیب و ادغام شورای انقلاب و دولت را، تمرکز قدرت حاکمه را تأیید می کنیم. ما به مشکلاتی که در برابر دولت قرار گرفته است، واقفیم. ما میدانیم آن بلایی که محمد رضای خائن بر سر کشور و ملت ما آورد، با یک چشم بهم زدن رفع شدنی نیست. بنابراین ما توقع نداریم که دولت «معجزه» بکند. ولی در عین حال ما میدانیم که پس از هر انقلابی، ضد انقلاب، چون جانوری زخم خورده، تمام نیرویش را برای بازپس گرفتن مواضع از دست داده بکار می برد، مقاومتش ده چندان میشود و بنابراین هر انقلابی، اگر با قدرت به پیشروی خود ادامه ندهد، به عقب رانده میشود، و عقب نشینی در انقلاب، خطر مرگ انقلاب را در پی دارد. از این رو ما از دولت می خواهیم که در راه پیشرفت انقلاب بردارد، از این موضع بادشوار بهار و پرو گردد که، با تکیه به خلق، با تکیه به نیروهای راستین انقلابی، می توان دشواریهای را یکی بعد از دیگری، بی وقفه از پیش پا برداشت. برای انجام اینکار عظیم «نیروی انسانی» هست. منتهی باید این نیرو را گرد آورد و سازمان داد، از نوآوری نهراسید، از شکستن پایگاههای رژیم کهنه بیم نداشت، با جسارت «طرح نو» برانداخت.

چنین است مشی ما نسبت بدولت و نظر ما نسبت به نحوه رفع دشواریها و پیشبرد امر انقلاب. در یک کلام، ما بر آنیم که دولت اینک با ترکیب شورای انقلاب تقویت شده و باید در راه پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران با قاطعیت بیشتر گام بردارد.

# هشدار: ارتش باید از ضد انقلاب پیدرنگ پاک شود

امری است که اگر از امروز بفردا موکول شود، میتواند خطرات جدی برای انقلاب ایجاد کند. ما گفته ایم و تکرار میکنیم که برای سالم سازی ارتش، در درجه اول و بدون کمترین درنگی باید سازمان ضد اطلاعات کنونی ارتش منحل گردد. این سازمان شبکه اداره جاسوسی پنتاگون در ارتش ایران است. انحلال این سازمان ضرورت حیاتی دارد. تمام افراد ضد اطلاعات باید از ارتش اخراج گردند. تمام مستشاران، کارشناسان و متخصصان نظامی آمریکائی که هنوز در ارتش، بهر عنوانی باقی مانده اند، باید فوراً اخراج گردند. اینان مأموران پنتاگون در ارتش ایرانند. اگر انقلاب ایران ضد امپریالیستی است - که هست - پس نمیتواند نه سازمان «ضد اطلاعات» ساخته پنتاگون، نه مأموران مستقیم پنتاگون رادر ارتش ایران تحمل کند.

به او دروغ گفته اند، با ناراحتی یادگان را ترک میکند. ۴- در یادگان نظامی کازرون این روزها اعلامیه هائی علیه امام خجینی بخش شده است. در اعلامیه از امام انتقاد شده که گویا ایشان قصد دارند حقوق درجه داران را نصف کنند و نصف آنرا در اختیار یاسر عرفات و فلسطینیها بگذارند. نتیجه ای که از این اخبار موثق میتوان گرفت، نا گفته پیداست: ضد انقلاب در داخل ارتش فعال و گستاخ شده است. دلیل اینکه این فعالیت و گستاخی امکان پذیر شده، تعلل و تسامح در تصفیه ارتش از ضد انقلاب، تعلل و تسامح در نوسازی ارتش و تبدیل بنیادی آن بیک ارتش ملی و دموکراتیک است که در آن انضباطی آگاهانه بسود انقلاب حکم فرما گردد. ما هشدار میدهیم: تصفیه ارتش از ضد انقلاب

ابتدا چهار خبر موثق: ۱- در برخی یسادهگان اعلامیه ای به امضاء «پالیزبان و یاران» مخفیانه بخش شده و در آن وعده داده شده است که «بزودی باز میگردند» و به «اوضاع آشفته پایان میدهند». ۲- در ارتش گروه هائی پنهانکار بنام گروه های «ضربه انتقام» تشکیل شده است که ضمن تبلیغ خصمانه علیه انقلاب و امام خمینی، برای کودتا تدارک می بینند. ۳- روز ۲۱ اردیبهشت، یک ژنرال آمریکائی با لباس نظامی وارد یادگان لویزان (ستاد ارتش) میشود و خواستار ملاقات با تیمسار فرمانده میگردد. فرمانده دستور میدهد با او بگویند که فرمانده در یادگان حضور ندارد. ژنرال آمریکائی که متوجه میشود

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

عده ای از کارگران ازساری ۵۰۰۱	ریال ۱۵۰۰۰
هواداران حزب در امریکا	ریال ۱۰۹۲۰۰
ازرقای «امید» و گروهی از هواداران حزب در انگلستان	۲۳۰ لیره
سونیاگ دانش آموز (برای کمک به حزب پدرش)	ریال ۱۰۰۰
م. نیکزاد	ریال ۱۰۰۰
گروه شعبانی	ریال ۱۰۰۰۰
زن وشوهر معلم ازساری	ریال ۲۰۰۰
۱۴/۱ ازبندر انزلی	ریال ۵۰۰۰

سینه به تنور چسباندن، بعد هم از مردم ایران خواسته اند که سرود «ای ایران، ای مهد پرگوهر» را هر روز صبح گوش کنند و مهمتر از همه دریایان فرموده اند «من به آینده ایران امیدوارم». لابد

## «ارباب بختیار» هم از راه رسید

جناب را از زیر قرآن گذراندند! بعد هم، جناب بختیار، بدون ارتباط با این مسائل (۱)، توسط کاست پیامی فرستاد که خبر گزاریهای امپریالیسم آن را با ذوق وشوق مخابره کردند و روزنامه معلوم الحال هم آنرا به چاپ رساند، تا باین ترتیب بختیار از «محبوبیتی» که رنگین نامه ها برایش کسب کرده اند، استفاده کند. ایشان در پیام خود کلی ادعای میهن پرستی کرده اند، از دفاع از سازمانهای حقوق بشر آمریکائی غافل نمانده اند، اعلام داشته اند که شیرازه مملکت از هم پاشیده و هر چه مخرج حاکم است و کلی ازان

بالاخره «ارباب بختیار» هم وارد میدان شد. جناب «مرغ طوفان» با دادن پیامی که در صفحه اول یکی از روزنامه ها به چاپ رسید، توطئه ضد انقلاب را تکمیل کرد. پیام «ارباب بختیار» مکمل توطئه ضد انقلاب از طریق رنگین نامه ها بود. رنگین نامه ها از مدتی قبل، ظاهراً بدون ارتباط با هم (۱) هم نامطور که در «مردم» خوانندید، شروع به چاپ عکس و تفسیلات بختیار کردند، او را انقلابی معرفی کردند و حتی روی جلد یکی از الوده ترین رنگین نامه ها، آن

# بزرگداشت ۳۰ تیر با راهپیمائی هزاران توده‌ای

هزاران نفر از اعضای، هواداران و دوستان حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت ۳۰ تیر شرکت کردند. مراسم ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه ۲۹ تیر از پل سیمان در خیابان شهرری آغاز شد. در جلوی صفوف راهپیمایان، که از پل سیمان بطرف مزار شهدای ۳۰ تیر در آبناب با بویه حرکت میکردند، چند ردیف جوان دیده میشدند که شاخه‌های گل در دست داشتند. جمعیت در حالیکه در دوسو از جانب مأموران انتظامات، محافظت میشد و سرود ۳۰ تیر را زیر آلب زمزمه میکرد، در نظم چشمگیری بجزانب مزار شهدا میرفت. دهها پلاکارد در دست راهپیمایان دیده میشد، که روی آنها نوشته شده بود:

- گرامی باد خاطره تابناک شهدای ۳۰ تیر
  - ما موضع قاطع و پیگیر امام خمینی رهبر انقلاب ایران را برضد آمریکا تأیید میکنیم
  - ما خواهان سرکوب کامل عمال شاه - ساواک هستیم
  - سی‌ام تیر مؤید ضرورت اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و میهن پرست است
  - برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق
  - از سی‌ام تیر بیا هوزیم، اتحاد، اتحاد، اتحاد
  - دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا است
  - جبهه اصلی نبرد، جبهه ضد امپریالیستی است
- وقتی جمعیت به آبناب بویه نزدیک شد، طبق قراری که از جانب کمیته برگزاری مراسم گذاشته شده بود، پلاکاردها جمع آوری گردید. در این موقع گروهی که شعارهای ضد کمونیستی و ضد توده‌ای میدادند، کوشیدند به جمعیت حمله کنند. راهپیمایان با نظم تمام شعارهای این گروه قلیل را در بانگ پرطنین «زنده باد جبهه متحد خلق» فریاد میزدند. پاسداران، با هجوم این عناصر ضد انقلابی، فعالیت را موقوف کردند و بدون آنکه آنها را پراکنده کنند، مانع حمله آنها به صفوف راهپیمایان شدند.

رفیق **محمدعلی عمویی**، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی سخنانی از جمله گفت:

«بزرگداشت ۳۰ تیر برای حزب ما تنها یادآور یک روز، یک رویداد، یک تاریخ نیست. برای حزب توده ایران رخداد ۳۰ تیر، علاوه بر آنکه تجلیل از حماسه وحدت عمل یک خلق، شکفتگی در نبرد، استقامت و قهرمانی است، مهمتر از آن فعلیت حادته، ماندگاری آن با حوادثی است که امروز در میهن ما میگذرد و مهمتر از همه پندآموزی از این رویداد مهم تاریخی است. امروز نیز پس از بیست و هفت سال، خلق قهرمان ما در مقامی بس بزرگتر، سرگرم نبردی سرنوشته‌ساز علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. امپریالیسم آمریکا، که زیر ضربات مداوم انقلاب، جراحات فراوان برپیکر دارد، با تمام توان خود در کار دسیسه علیه انقلاب ماست. اتحاد خلق، که رمز پیروزی قیام حماسه آفرین ۳۰ تیر و انقلاب شکوهمند ۲۲ و ۲۳ بهمن بود، میتواند رمز تداوم و تثبیت این پیروزی باشد. علیرغم همه دسیسه‌ها و تفرقه افکنی‌های دشمن، مردم شیار و بیدار دل ایران با ردیگر حد اعلائی انقلابی را از خود نشان دادند. «راهپیمایی وحدت» که بدنبال دعوت امام خمینی صورت گرفت، مشت محکمی بود بر یوزه امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی و خارجی. دو میلیون نفری که روز سه شنبه ۲۶ تیر چون امواج خروشان در شهر تهران بحرکت درآمدند و میلیونها نفری که در سراسر کشور در راهپیمایی وحدت شرکت کردند، نشان دادند که رمز پیروزی ۳۰ تیر را، که اتحاد نیروها بود، دریافته‌اند و بدان عمل میکنند. وحدت نیروهای انقلابی، ضامن حفظ و تداوم انقلاب است. برقرار باد اتحاد همه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی در جبهه متحد خلق!»



نتیجه هجوم عناصر ضد انقلابی به یکی از اتوبوسهای حامل راه پیمایان

## پاسخ دندان شکن خلق به عناصر ضد انقلابی در بزرگداشت سی‌ام تیر

در مراسم بزرگداشت شهدای ۳۰ تیر، که روز ۲۹ تیر در آبناب با بویه انجام شد و حزب توده ایران در آن شرکت کرد، دو حادثه روی داد که از طرفی نقش عناصر ضد انقلابی از جمله مائوئیست‌ها را در تحریکات بازهم روشن‌تر کرد و از طرف دیگر نشان داد که توده‌های خلق به درستی میدانند که دوستان خلق کیانند. یکی از هواداران حزب توده ایران، که در مراسم شرکت داشته، حادثه اول را اینطور تعریف میکند:

وقتی صفوف منظم حزب ما سرود اتحاد میخواند و به مزار شهدا میرفت، توسطه‌سازان مائوئیست تیت‌های سرپایین ننگ و نفاق افکانه ورق‌پاره‌های خود را فریاد میکردند، ولی کسی به آنها توجه نداشت. بعد از پایان مراسم، من به اتفاق گروهی از هواداران حزب، که بیشتر آنها دختری بودند، سوار مینی‌بوس شماره ۳۰ شدم. در این موقع باند مائوئیستی - ساواکی به



راننده‌ای که بر اثر هجوم عناصر ضد انقلابی مجروح شده است

کتابی از مائو را به ما نشان دادند که مطالعه کنیم! ماسکه دیگر حوصله‌امان سررفته بود، از راننده خواستیم بایستد و آنها را پی کارشان فرستادیم. **پاسخ خلق به دوستانش** رفیق دیگری ماجرای بعدی را اینطور می‌نویسد:

بعد از حمله عناصر مائوئیست ساواکی به اتوبوس‌های حامل افراد حزب، من به اتفاق یکی از رفقا به داخل کوچه‌ای که در آن نزدیکی بود، رفتم. ساکنین کوچه درهای خانه‌های خود را باز گذاشته بودند تا افرادی را که از چنگ مهاجمان گریخته‌اند، پناه دهند. در یکی از خانه‌ها چند مجروح دیده میشد. آنها افراد عادی بودند که برای زیارت آمده و اشتباهاً سوار اتوبوس‌ها شده بودند و حمله مهاجمان آنها را زخمی کرده بود. اهالی محل و مخصوصاً جوانها بشدت خشمگین بودند. از آنها پرسیدم: «این افرادی که حمله کردند مال محله شما بودند؟» جواب دادند: «خدا نکند آقا، اینها ساواکی هستند، اینها آبروی مسلمانها را برده‌اند». جوانها از مای خواستند به خانه آنها برویم، خستگی بدرکنیم و جای بنوشیم تا محیط آرام شود. جوانها به ما می‌گفتند: «اینها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. شادوست مردم هستند». در این موقع زن مستی‌با پای برهنه به کوچه دوید و من و رفیق را با اصرار به خانه‌اش برد. وی مدام می‌گفت: «قر بانان بروم. شما بچه‌های من هستید. چرا آمدید اینجا؟ این بی‌درمادر ها که حمله کردند دشمن اسلامند. خودم چادر سر می‌کنم و تا میدان شوش شما را میبرم». چند لحظه بعد پس این زن هم آمد، میگفت: وقتی به شما حمله کردند، من بالای پشت بام بودم، از آنجا فریاد می‌زدم و میگفتم: «به مردم رحم کنید. به زن و بچه مردم رحم کنید». نزدیک بود خودم را از آن بالا بماندازم روی اتوبوس.

دقایقی بعد چند نفر از جوانهای محل آمدند. فهمیدیم که بر ایمان تا کسی آورده‌اند. وقتی با تک تک آنها خداحافظی می‌کردیم، بعضی گلویم را گرفته بود. دلم میخواست به یک آنها بگویم: برادرانم، رفقایم، عزیزانم، شما با ردیگر نشان دادید که خلق زحمتکش و انقلابی ایران دشمن را به درستی می‌شناسد و دوستان را هم تشخیص میدهد. شما آگاه هستید. دشمنان خلق!

### هجوم عناصر ضد انقلابی

بعد از قرائت قطعه نامه صفوف متشکل راهپیمایان به گورستان رفت، بر مزار شهدا طواف کرد و محل را ترک گفت. در این هنگام گروهی از ضد انقلابیون بایک حمله سازمان یافته، به یک مینی‌بوس حامل راهپیمایان حمله و ۴ نفر از هواداران حزب توده ایران را مجروح کردند. حمله این گروه، که اکنون دیگر روشن شده ترکیبی از ساواکی‌ها و مائوئیست‌ها (بویژه «سازمان انقلابی») آنها را رهبری کرده و گروهی از افراد قشری هم سیاه لشکرشان را تشکیل میدهد باین ترتیب انجام شد:

وقتی همه اتوبوس‌های حامل راهپیمایان حرکت کرد و قطعه در اتوبوس و مینی‌بوس باقی مانده بود، که آنها هم در آستانه حرکت بودند، یکی از افراد «سازمان انقلابی»، که در نزدیکی اتوبوس بود، سوت زد و ناگهان گروهی نزدیک به ۵۰ نفر، در حالیکه شکل تحریک آمیزی میدویدند و شعار می‌دادند، پیدایشان شد. آنها اتوبوس را محاصره کردند و شروع به دادن دشنام کردند. در این موقع یکی از اعضای کمیته، که اسلحه در دست داشت، سعی کرد آنها را آرام کند، اما چون موفق نشد، شدت عمل بیشتری نشان نداد. اتوبوس برغم تهدید این عناصر مشکوک حرکت کرد و دور شد. سپس ضد انقلابیون بطرف مینی‌بوس رفتند و یکی از آنها سعی کرد در طرف راننده را باز کند، ولی راننده بشدت مانع شد و حرکت کرد. در این موقع اتوبوس سوم، که بر از مسافر بود، آهسته شروع به حرکت کرد. عناصر ضد انقلابی به این اتوبوس حمله کردند و در حالیکه راننده عکس امام را، که به شیشه جلو چسبانده بود، نشان میداد و میگفت: «به اتوبوس من کاری نداشته باشید». مهاجمان با سنگ‌های درشتی که در دست داشتند، شیشه‌های جلو و چهار شیشه سمت

### قطعه نامه حزب توده ایران

بعد از سخنان رفیق **عمویی**، قطعه نامه راهپیمایی توسط رفیق کارگر، **حمیدفام نویمان**، که بعد از تحمل ۱۵ سال زندان، با انقلاب شکوهمند مردم آزاد شده، قرائت شد:

ما همزمان با بزرگداشت خاطره تابناک شهدای ۳۰ تیر، که جان خود را در ریکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای آزادی و استقلال ایران از دست داده‌اند، اعلام میداریم که:

- ۱- ما بسا الهام از خاطره شهدای ۳۰ تیر، نبرد را علیه امپریالیسم و ارتجاع و عمال رنگارنگشان تا پیروزی قطعی و نهایی ادامه خواهیم داد.
- ۲- ما با تمام قوا تلاش میکنیم تا همه نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرست در یک صف واحد برضد دشمن مشترک مبارزه کنند و از همه نیروهای انقلابی طلب میکنیم که در این لحظه حساس برای دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب متحد شوند.
- ۳- ما در بسط و تحکیم دستاوردهای انقلاب از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.
- ۴- ما طلب میکنیم که دادگاههای انقلاب، که تیلور خشم و آگاهی انقلابی توده‌هاست، با قدرت هر چه تمامتر به کار خود ادامه دهند.
- ۵- ما از موضع گیری پیگیر و قاطع امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده شاه خائن پشتیبانی میکنیم.
- ۶- ما از دولت طلب میکنیم که کلیه قراردادهای اسارت بار امپریالیستی، بویژه قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا را بیدرنگ ملغی سازد.
- ۷- ما از همه نیروهای راستین انقلابی می‌طلبیم که برای تصویب یک قانون اساسی مترقی و دمکراتیک متحدآبازده کنند.

داست آنرا درهم شکستند و باعث مجروح شدن ۴ نفر شدند. اتوبوس حرکت کرد و در انجام توانست از محل دور شود. رفقای مجروح بلافاصله به بیمارستان رسانده شدند. رفقای مایه کلانتری شهر ری تلفن کردند و ماجرا را با افسر نگهبان در میان گذاشتند. او گفت: به کمیته خبر داده‌ایم، اما کمیته گفته، چون جریان مال کمونیست هاست، مهم نیست! در تماس تلفنی با کمیته سیمان، آنها این موضوع را شدیداً تکذیب کردند. باین ترتیب ضد انقلابیون توانستند فرار کنند.

جای شکفتی است که وقتی ضد انقلابیون در لباس اتحاد ساواکی - مائوئیست، گروههایی از افراد متعصب را بدنبال خود میکشند و زیر پرچم اسلام و به نام امام به احزاب، سازمانها و گروه های انقلابی حمله میکنند، از این عمل آنها ممانعت نمی‌شود. برای همه رزمندگان انقلابی و از جمله حزب توده ایران، بسیار آسان است که خود را سا تلاش این ضد انقلابیون را درهم بشکنند، اما از آنجا که تفرقه و درگیری بین گروههای مختلف درست همان چیزی است که امپریالیسم می‌خواهد، حزب توده ایران با صبر انقلابی به فاش کردن ضد انقلابیون می‌پردازد.

ظاهر محافظی هم هستند که از این فعالیت ضد انقلاب خرسند میشوند و به آن دامن میزنند. مثلاً در مراسم جمعه، در حالیکه اعلام شده بود از دادن شمار خودداری شود، به عناصر ضد انقلابی اجازه داده شد حتی حرمت گورستان را بشکنند و شعارهای تفرقه افکنانه بدهند. رادیو و تلویزیون هم که ظاهراً هرگز درخواستهای امام را برای وحدت نمی‌شنود، در اخبار خود، گروه قلیل ضد انقلابیون را با بخش خیر و فیلم آنها بزرگ میکنند، در حالیکه به توطئه سکوت علیه حزب توده ایران ادامه میدهد و هزاران راه پیمای توده‌ای را مثل همیشه نمی‌بیند.

ادامه چنین سیاستی، اجازه دادن به فعالیت ضد انقلاب و حمایت از آن و آب به آسیای امپریالیسم میریزد که هدفی جز تضعیف و بدنام کردن رهبری انقلاب ندارد.

# ایران : گرایش خطرناک

عنوان مقاله ای است که ، ناگاریا کف ، مفسر خبرگزاری شوروی نووستی نگاشته است . در این تفسیر چنین میخوانیم :

ایران بعد از انقلاب ، مرحله دشوار استقرار جمهوری را میگذراند . کشور دچار مشکلات عظیم سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی است که باید در اسرع اوقات حل شود .

در حالی که ایران هنوز در فکر تجسس راه هائی برای رفع این مشکلات است ، توطئه امپریالیستی در اطراف آن گسترش می یابد ، توطئه ای که هدف از آن بازگرداندن کشور به مسیر گذشته است . آنچه که مخصوص نگرانی جدی را برمی انگیزد ، نقش ایالات متحده آمریکا مبنی بر تشکیل سپاه «واکنش سریع» به تعداد ۱۱۰ هزار نفر ، بمنظور عملی ساختن مداخله در منطقه خلیج فارس است .

در این اوضاع و احوال ، تلاش های مشترک ارتجاع خارجی و داخلی متوجه بی اعتبار کردن آیت الله خمینی ، پیشوای انقلاب و مخالف سرسخت ارتباط با ایالات متحده آمریکا و تجزیه نیروهای ضد امپریالیستی در کشور است . صرف نظر از موج نیرومند ضد آمریکایی که ایران را فرا گرفته ، نمایندگان رسمی و غیررسمی ایالات متحده مصراغه در بین هیات اداری جدید ایران در تجسس متحدینی برای خود هستند تا بتوانند لااقل قسمتی از مواضع خود را ، که با سقوط رژیم شاه از دست داده اند ، احیاء کنند . در جریان ایران مدام اطلاع داده میشود که صدها عامل سیا هنوز در ایران مشغول فعالیت اند و توطئه های ضد انقلابی ، تحریکات و خرابکاریها را سازمان میدهند .

نیروهای ارتجاع بمنظور برده پوشی مقاصد واقعی خود ، طبق معمول جهت مخالف ، یعنی اتحاد شوروی را نشان میدهند و گاهی این قبیل تحریکات مورد تأیید و پشتیبانی برخی از رجال و اعضای هیات دولت قرار میگیرد . در اظهارات این رجال بارها مطالبی دیده شده که متوجه خلل رساندن به روابط حسن همجواری دو کشور است ، دو کشوری که ۲۵۰۰ کیلومتر سرحدات مشترک و سنت های عمیق همکاری متقابلا مفید دارند .

در روزهای اخیر روزنامه «پراودا» پیرامون یکی از این قبیل اظهارات مصاحبه صادق طلباطیانی - که طی آن بدون دلیل اتحاد شوروی را به ایجاد اغتشاش در استان بلوچستان متهم کرده بود ، مطالبی نوشت . قبل از آن ، اشخاص یکلی ناوارد ، پیرامون زائد بودن کارخانه ذوب آهن اصفهان برای ایران اظهار نظر کرده و خواستار قطع صدور گاز طبیعی به قفقاز شوروی شدند و یا واه های مربوط به مناسبات شوروی - افغانستان را تکرار کردند .

البته این روش های ضد شوروی در سایر اظهارات رسمی مورد پشتیبانی قرار نگرفت . آقای آشتیانی مدیرعامل شرکت ملی ذوب آهن ایران در مصاحبه باروزنامه «آیندگان» ضرورت رساندن قدرت تولیدی کارخانه به ۱/۹ میلیون تن فولاد در سال را تأکید کرد ، زیرا احتیاج سالانه ایران به فلز به ۴/۵ میلیون تن رسیده است .

باین وصف ، حملات علیه همکاری دو کشور ادامه دارد ، بویژه تلاش در زمینه همسنگ قرار دادن روابط ایران با ایالات متحده و روابط شوروی - ایران دقت لازم را برمی انگیزد . در روزهای اخیر ابراهیم یزدی ، وزیر امور خارجه

ایران ، ضمن يك مصاحبه ، درباره لغو احتمالی قرارداد با آمریکا ، که در سال ۱۹۵۹ منعقد شده و قرارداد با اتحاد شوروی ، که از سال ۱۹۲۱ وجود دارد ، مطالبی گفت .

قرارداد اسارتیاد درباره همکاری و دفاع متقابل با آمریکا ، ایران را در نقش ژاندارم منطقه تأیید مینماید و کمک نظامی «به انضمام استفاده از نیروهای مسلح» ، عبارت دیگر تهاجم را ، برای آن تضمین میکند . این قرارداد یکی از حلقه های اصلی آن زنجیری بود که ایران را مقید ساخت ، با این قرارداد بیش از دو هزار قرارداد و موافقت نامه غیر برابر پدید آمد که بر اساس آنها آمریکا سالیان متمادی ثروت های ملی ایران را در آزای سلاح ها ، آنهم سلاح های که آمریکا طبق انتخاب و صلاح دید خود بایران تحویل میداد ، چپاول میکرد .

اما قرارداد با اتحاد شوروی در عرض ۵۸ سال ، صلح و همکاری مبتنی بر تساوی حقوق و نفع متقابل را تأمین میکند ، همکاری که متوجه تأسیس و توسعه رشته های کلیدی اقتصادی ایران است و نغارت و چپاول ثروت های کشور .

در سال های جنگ دوم جهانی یکی از مواد این قرارداد مورد استفاده قرار گرفت ، ماده ای که به طرف قرارداد حق میداد که بطور موقت در شمال ایران ارتش وارد کند تا از پشت جبهه دول متفق دفاع نماید و ایران را از هجوم ارتش هیتلری ، که در نقشه های آلمان نازی پیش بینی شده بود ، مصون دارد . ارتش شوروی پس از پایان جنگ از اراضی کشور همجوار فراخوانده شد و نظام موجود در ایران کماکان باقی ماند . آیا این بهترین دلیل بر عدم مداخله اتحاد شوروی در امور داخلی ایران نیست ؟

ناگفته نماند که ایالات متحده آمریکا ، در سال ۱۹۴۳ ، بدون هیچگونه قراردادی نیروهای مسلح خود را بایران وارد کرد . در سال ۱۹۵۳ سیا توطئه چید و حکومت قانونی مصدق را سرنگون ساخت و شاه سابق را به تخت «طاووس» لرزان بازگرداند و تا آخر قریب دقایق ، دیکتاتوری اورا مورد حمایت و پشتیبانی قرارداد . آیا این دلیل بر مداخله گستاخانه آمریکائی ها در امور ایران نیست ؟

قرارداد دفاعی ، درازای خدمت بشاه ، برای ایران خیلی گران تمام شد . بهمین سبب طبیعی است که الفای قراردادها و موافقت نامه ها با ایالات متحده آمریکا ، بصورت یکی از خواست های عمده سیاسی مردم ایران در بر آمده است . مردم ایران با تجارب تلخ خود میدانند که در ورای کلمات «کمک آمریکا» چه چیزی نهفته است .

هر دولتی حق دارد بادیگر کشورها قرارداد منعقد کند ، آنرا تمیز دهد و یا فسخ نماید . ولی در این تلاش که دوستان بین المللی یکلی متضاد ، که با روح و کلمه در دو قطب مخالف هم قرار دارند ، همسنگ قرارداد شوند - در این تلاش به گرایش خطرناکی راه داده میشود .

مردم شوروی نسبت به دستاوردهای انقلابی مردم ایران علاقه و حسن نیت و افرا بر از میدانند و به مجاهدات آنها در راه استقلال واقعی و رستخیز ملی ارزش مینهند . دولت شوروی بارها اعلام داشت که آماده است با همسایه جنوبی خود بهترین مناسبات حسنه را داشته باشد و آنرا بسط و توسعه دهد . حفظ و توسعه روابط دوستی و حسن همجواری ، با منافع اساسی ملل دو کشور مطابقت دارد .

## رانندگان ساواکی تاکسی ها را معرفی کنید

تاکسیرانان تهران ، با اشاره به سخنان اخیر سخنگوی دولت مبنی بر فعالیت ۸۰ راننده تاکسی برای پیشی شایعات در سطح شهر ، یادآور شده اند که شما گفته اید ۸۰ راننده تاکسی در گروه های ۱۰ نفری مشغول فعالیت اند و هر روز صبح با اخذ دستور از مقامات مخرب کار خود را شروع میکنند . چون این موضوع توهین صریحی باین صنف زحمتکش است ، لذا ما رانندگان و دارندگان تاکسی مصرأ از شما تقاضا داریم که هر چه زودتر این هشتاد نفر را رسماً معرفی کنید و بلافاصله از این صنف اخراج و تحت تعقیب قانونی قرار دهید . ما درحالیه سخنان اخیر سخنگوی دولت و اظهارات رانندگان تاکسی درباره آن ، یادآور میشویم که ساواک متحله ، کسه بقیده ما عناصری از آن بطور پنهان و با استفاده از کندی کار دادگاهها در دستگیری و سرکوب عوامل رژیم گذشته بر فعالیت خود افزوده اند ، در گذشته دایره ای وسیع و گسترده برای پیشی شایعات داشته است و برای این امر از همه عوامل کمک می گرفته است . بی شک یکی از این عوامل استفاده از تاکسیها و برخی رانندگان خود فروخته آنها بوده

## حقایق مربوط به

## خیانت بختیار را

## صریحاً و بطور کامل

### افشا کنید

در حالیکه تبلیغات بنفع شاپور بختیار در رنگین نامه های ایران همچنان ادامه دارد ، وزیر امور خارجه دولت موقت ، در سخنرانی خود در شرکت ملی نفت ایران اشاره ای گذرا و ناقص ، که تغییرهای گوناگون میتوان از آن کرد ، به ماجرای روی کار آمدن شاپور بختیار کرد و گفت ، او نیآمده بود تا شاه را تثبیت کند ، بلکه میخواست خودش جمهوری اعلام کند

همانطور که گفتیم ، از آنجا که این اشاره بسیار گذرا و کوتاه و ناقص بود ، میتوان به اشکال مختلف ارزیابی کرد و برداشتهای مختلفی از آن بشود . اینکه اشاره میشود که بختیار نمیخواست شاه را تثبیت کند و نظرش این بود که رژیم شاهنشاهی را برچیند و جمهوری اعلام کند ، نه تنها گوشه ای از ماجرای خیانت او را فاش نمیکند ، بلکه در اصل نوعی تریف از اوست ، چون مخالفت با شاه و سلطنت که خیانت نیست .

وزیر امور خارجه ، در همین سخنرانی ، اشاره کرد که حقایق را برای گفتن دارد ، که در صورت موافقت امام ، آنرا فاش خواهد کرد ما یکبار دیگر یادآور میشویم که بر ملا ساختن تمام اسناد و مدارکی که در بسار خیانت تاریخی شاپور بختیار وجود دارد ، در این لحظات حساس نه تنها واجب ، بلکه يك امر و وظیفه انقلابی است . اشاره گذرا و جویده جویده حقایق ، کاری را از پیش نمی برد و گاه بجای افشاکری به نوعی تریف تبدیل میشود .

بختیار یا خیانت کرده است ( که خلق ایران ، همچنان که در زیر رگبار گلوله در اولین روز تشکیل کابینه اش درخیا با آنها فریاد زد ، «ما میگوییم شاه نمیخواهیم نخست وزیر عوض میشه - ما میگوییم خر نمیخواهیم پالون خر عوض میشه» ، معتقد است ، خیانت کرده) و یا خدمت ، که رنگین نامه های معلوم الحال قصد ثابت کردن آنرا ، بدستور محافل معین و ضد انقلابی دارند . اسناد و مدارک میخوانند حقیقت را - که خلق میدانند - تأیید کند و این را فقط رهبران انقلاب و دولت موقت ، که مدارک و اسناد مذاکرات ژنرال هوینز آمریکائی باشاه مخلوع ، قبل از عزیمت وی از ایران و همچنین مذاکرات بین بختیار و ژنرال های شاه مخلوع با مقامات سفارت آمریکا را در اختیار دارند ، میتوانند عرضه کنند .

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره ، شنبه ، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود . نشانی : خیابان ۱۶ آذر ، شماره ۶۸ ، تلفن : ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸



# شادمانی برای آزادی و استقلال نیکاراگوئه

رزمندگان دلیر نیکاراگوئه و مردم شرافتمند سراسر جهان از رهایی این کشور از یوغ اسارت امپریالیسم و استبداد مزدور او ، سوموزا ، به یکسان شادمانند . به گزارش رویترز از آن تن از مردم ماناگوا درخیا بانهای این شهر ، تلاشی گارد به اصطلاح ملی ساخته و پرداخته آمریکا ، پیروزی کامل و افتخار آمیز مبارزان ساندنیست و سقوط رژیم جابر سوموزا را جشن گرفته اند . برچشم سرخ و سیاه ساندنیستها وسیله صدها چریک ، که غالباً دختران جوان بودند ، بر فراز کاخ سوموزای فراری به اهتزاز درآمد .

دولت ساندنیست از روز شنبه وظیفه دشوار بازسازی کشور را در پی جنگی طولانی و خونین آغاز کرد . پنج عضو هیئت حاکم زمام رهبری کشور را در میان شادی بی پایان دهها هزار تن از مردم نیکاراگوئه بدست گرفتند .

توماس برهه ، که یکی از بنیان گذاران جبهه آزادیبخش ساندنیست است ، اعلام کرد که جنگ علیه گارد ملی پایان پذیرفت ، لکن اینک نوبت پیکار با فقر ، جهل ، فساد و ویرانی است . لئونید ایلویچ برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در پیامی که برای دولت موقت نیکاراگوئه فرستاد اعلام کرد که اتحاد شوروی روابط دیپلماتی عادی با نیکاراگوئه برقرار خواهد کرد و روابط گوناگون خود را با این کشور گسترش خواهد بخشید .

اریش هوته کر ، رئیس جمهوری دموکراتیک آلمان در تلگرام تبریکی که برای رهبران کنونی نیکاراگوئه فرستاد شناسایی رسمی دولت موقت ساندنیست را از طرف دولت خود اعلام کرد . بلغارستان سوسیالیست نیز اقدام به شناسایی رسمی دولت بازسازی نیکاراگوئه کرد .

کشورهای دیگری نیز مانند بولیوی ، پرو ، کلمبیا ، اکوادور و ونزوئلا که عضویمان آند هستند ، دولت بازسازی نیکاراگوئه را برسمیت شناختند .

## اتحاد شوروی خواستار قطع تحریمات و تهدیدات علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام است

نیکلای فیروبین ، معاون وزارت امور خارجه شوروی ، اعلام کرد که اتحاد شوروی اعتقاد دارد که حل مسأله مهاجران هندوچین در گرو قطع همه تحریمات و تهدیداتی است که متشاه آن شمال و هدف آن جمهوری سوسیالیستی ویتنام است . فیروبین ، تأکید ورزید که بهترین وسیله حل مسأله پناهندگان هندوچین اجرای قراردادی است که میان ویتنام و کمیساریای عالی ویژه پناهندگان انعقاد یافته و در آن پیش بینی شده است که داوطلبان با برخورداری از نظم و ایمنی مهاجرت کنند .

وی همچنین متذکر شد که در این قرارداد تصریح شده است که باید به تحریمات و تهدیداتی که از شمال علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام متوجه است و همچنین به مداخله در امور داخلی آن و به تحریک افراد چینی الاصل برای ترک ویتنام خاتمه داده شود . فیروبین سپس ضمن تأکید بر این نکته که جنگال غرب در باره پناهندگان انگیزه و هدف انسانی ندارد ، ارقامی مشروح و دقیق درباره کمک اتحاد جماهیر شوروی و چند کشور سوسیالیستی اروپا به بازسازی کشورهای هندوچین ، که جنگ به ویرانیشان کشانده بود ، ذکر کرد .

## آمریکا اسلحه می دهد و اسرائیل برای ادامه تجاوز بکارش می برد

خبرگزاری تاس اعلام کرد که وزارت دفاع آمریکا به کنگره این کشور اطلاع داد که درصدد است ۵۰۰۰ موشک ضد تانک و صد موشک ضد هواپیما به ارزش متجاوز از ۲۱ میلیون دلار به اسرائیل تحویل دهد . همین حمایت مادی و معنوی امریکاست که اسرائیل را در ادامه تجاوزهایش به جنوب لبنان ، ادامه اشغال سرزمینهای عربی و ادامه توسعه طلبیهایش بصورت احداث آبادیهای یهودی نشین مسجتر و گستاختر می سازد .

یکی از نمونه های حمایت معنوی آمریکا از اسرائیل رأی متمتع آن کشور در برابر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد است . به گزارش آسوشیتد پرس ، شورای امنیت در این هفته بر طبق قطعنامه ای که تصویب کرد از اسرائیل خواست که احداث و توسعه شهرکهای یهودی نشین را در سرزمینهای اشغالی متوقف کند . لکن آمریکا به این قطعنامه رأی متمتع داد .

